

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سیزدهم، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۰
صفحات: ۴۳-۲۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰
مقاله: پژوهشی

شواهد قرآنی و تحلیل آموزه های مقدمه وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی(ره)

عبدالعلی پاکزاد* / مجید محمد نژاد**

چکیده

وصیت و سفارش به توحید، نبوت، معاد، اطاعت از قرآن، محبت و اطاعت از عترت و ... در کلام وحی و حضرات معصومان علیهم السلام به جهت یادآوری امور فطری و ماندگاری در امور دینی انجام شده است و امام خمینی(ره) با تأسی به خداوند متعال و پیامبران و ائمه علیهم هدی علیهم السلام، قلم بر روی اوراقی نهاده تا خود را متخلق به صفت خدا و انبیاء و عترت علیهم السلام نموده و با نوشتن وصیت نامه به همه مردم دغدغه ایمانی و فکری خود را نسبت به مسائل دینی مردم اظهار کرد. این نوشتار با تکیه بر آیات قرآن کریم به روش کتابخانه ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، در پی ارائه شواهد(مستندات) قرآنی و تحلیل نکات کلیدی مقدمه وصیت نامه سیاسی الهی می باشد. از یافته های پژوهش حاضر آن است که مقدمه وصیت نامه سیاسی الهی امام راحل مستند به شواهد قرآنی و با هدف استمرار و صدور انقلاب اسلامی سامان داده شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن؛ امام خمینی(ره)؛ آموزه های مقدمه وصیت نامه.

* گروه معارف اسلامی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران (نویسنده مسؤول).

abpakzad53@gmail.com

** گروه معارف اسلامی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران.

m_mohammadnejad2013@yahoo.com

مقدمه

در سال‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی، یکی از رایج‌ترین واژه‌هایی است که از علوم اجتماعی وارد ادبیات حوزه‌های دیگر علمی و حتی زبان عمومی شده است. با این همه هر چند «سرمایه‌ی اجتماعی» واژه و اصطلاحی نو و جدید است، اما معنا و مفهوم مستتر در آن جدید نیست و به آرای پیشکسوتان جامعه‌شناسی مانند امیل دورکیم، کارل مارکس و گئورگ زمیل برمی‌گردد.

امام خمینی(ره) به جهت آن که در مقام مرجعیت بود، لازمه افتاء، بهره‌گیری از مهمترین ادله اربعه یعنی قرآن کریم است. هم چنین به دلیل آن که آن در جایگاه مفسر کتاب آسمانی قرار داشت؛ برای تفسیر آیات کریمه و استخراج نظرات قرآن بر مبنای اهل بیت علیهم السلام، رابطه تنگاتنگ با وحی الهی داشت. امام خمینی(ره) بر مبنای اینکه نظریه ولایت فقیه استمرار امامت بوده و تحقق و استمرار حکومت اسلامی خواسته اهل بیت می باشد وصیت نامه سیاسی الهی خویش را به هدف استمرار و صدور انقلاب اسلامی سامان داده است. وصیت و سفارش به توحید، نبوت، معاد، اطاعت از قرآن، محبت و اطاعت از عترت و ... در کلام وحی و حضرات معصومان علیهم السلام به جهت یادآوری امور فطری و ماندگاری در امور دینی انجام شده است و امام خمینی(ره) با تأسی به خداوند متعال و پیامبران و ائمه هدی قلم بر روی اوراقی نهاده تا خود را متخلق به صفت خدا و انبیاء و عترت علیهم السلام نموده و با نوشتن وصیت نامه به همه مردم دغدغه خود را نسبت به مسائل دینی مردم اظهار کرد. در پیشینه بحث در وصیت نامه امام گفته می شود که مقالات فراوانی نوشته شد از قبیل: «آسیب شناسی انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی(ره) با تأکید بر وصیت نامه ایشان در سال ۱۳۹۵ نوشته رحمت عباس تبار مقری» و «تلمیحات قرآنی در حمد و ثنای آغازین وصیت نامه امام خمینی نوشته سید محمد رضا احمدی ۱۳۹۶ش» و کتاب هایی از قبیل «رهنمودهای جاودانه تألیف سید محمد شفیعی ۱۳۸۸ مرکز نشر هاجر؛ نگرش موضوعی بر وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی(ره) از موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ شرح و بازخوانی وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی(ره) تألیف علی داود زاده، نشر معارف؛ و کتاب شرحی بر وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی نوشته احمد آذری قمی؛ ناشر دارالعلم سال ۱۳۷۲؛ نوشته شد و برخی از بزرگان مثل آیت الله عبدالله جوادی آملی در کتاب بنیان مرصوص امام خمینی(ره)؛ بخشی از کتاب را به وصیت نامه ایشان اختصاص داده اند.

فرضیه نوشتار حاضر این است که وصیت نامه سیاسی الهی امام راحل با هدف استمرار، رشد، بالندگی و صدور انقلاب اسلامی بر پایه معارف قرآنی سامان یافته است. سؤال اصلی مقاله پیش روی آن است که مستندات قرآنی وصیت نامه سیاسی الهی امام راحل چگونه تبیین می شود؟

۱. موضوعات مقدمه وصیت نامه امام خمینی (ره)

با مطالعه در مقدمه وصیت نامه امام خمینی رحمه الله علیه موضوعات متعددی بدست می آید که نشان از مهم بودن آن موضوعات در جهت استمرار، رشد، بالندگی و صدور انقلاب اسلامی می باشد.

موضوعات آن به شرح زیر است:

۱. قرآن و عترت دو یادگار مهم پیامبر اسلام (حدیث ثقلین)؛ ۲. مہجوریت قرآن؛ ۳. پیامبر اسلام موسس مذهب شیعه؛ ۴. قرآن، نسخه وحدت مسلمین و زندگی الهی؛ ۵. اهل بیت رها کننده بشر از بندهای غیر توحیدی؛ ۶. زنان و تعالی اسلامی؛ ۷. جانفشانی در راه اهل بیت؛ ۸. همراهی با فقه سنتی و بی توجهی به وسواس خناسان؛ ۹. لعن بر بنی امیه؛ ۱۰. ثنای از ائمه حق و بیان فجایع ستمگران؛ ۱۱. غفلت نکردن از نماز جمعه و جماعت و مرثی اهل اهل بیت، صحیفه فاطمیه، صحیفه سجادیه.

تذکر: در این نوشتار برخی از نکات کلیدی مقدمه وصیتنامه امام خمینی (ره) با شواهد قرآنی مورد بررسی قرار می گیرد و بقیه نکات کلیدی به نوشتار دیگری موکول می شود.

۲. وصیت در قرآن

۲-۱. واژه شناسی وصیت

وصیت به معنای سفارش نمودن است و در کتب لغت عربی: وصیت با پند و موعظه بر دیگری تقدم داشتن و سفارش کردن که عمل کند؛ آمده است (ابن محمد، ۱۳۸۵: ج ۳: ۴۶۲). با تعریف ذکر شده؛ واژه موعظه، انذار و تبشیر (لقمان/۱۳) یا واژه های امری در قرآن از قبیل: اَقِمِ الصَّلَاةَ... (لقمان/۱۷) و واژه های نهی ای از قبیل: وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ... (لقمان/۱۸) معنای نزدیک با توصیه را دارد.

۲-۲. انواع وصیت

وصیت دو قسم است: تملیکی و عهدی. وصیت تملیکی همگانی است؛ مثلاً گفته می شود که فلان زمین و فرش را به فلانی بدهید و ... وصیت عهدی، عهد شخص زنده و سالم با مولای خویش است که دیگران را نیز به آن عهد دعوت می کند و سر نامگذاری وصیت به «عهد» آیه ۸۷ سوره مریم است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۰۲). وصیت بزرگان دین و همچنین وصیت نامه امام خمینی (ره)، با مخاطب بودن عموم مردم در قسم دوم انواع وصیت قرار دارد؛ همان گونه که خطیب نماز جمعه در نماز جمعه، اقدام به وصیت در مورد تقوا و نظم در امور را به خود و نمازگزاران دارد. با این تفاوت که وصیت فقهی منحصر به بعد مرگ بوده؛ ولی وصیت نوع دوم، عمومیت داشته و شامل دوره حیات و بعد از مرگ وصیت کننده با هدف هدایت همه مردم در هر منطقه ای می باشد.

۲-۳. وصیت در قرآن

واژه وصیت در قرآن با مشتقاتش ۳۲ مرتبه و در سوره های؛ بقره، نساء، انعام، لقمان، عنکبوت، احقاف، مریم، ذاریات، بلد و عصر آمده است (الباقی، ۱۳۷۴: ۸۶۱). برخی از آن آیات ناظر به وصیت فقهی (بقره/۱۸۱ و ۱۸۲ و ۲۴۰؛ نساء/۱۱ و ۱۲- مائده/۱۰۶) و برخی دیگر در مورد وصیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی (شوری/۱۳؛ نساء/۱۴۱؛ عنکبوت/۸؛ لقمان/۱۴؛ احقاف/۱۵ عصر/۳؛ مریم/۳۱ و بلد/۱۷) می باشد.

بدین جهت که وصیت نامه سیاسی الهی امام راحل از قسم وصیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی می باشد؛ آیات مربوط به آن ذکر و بررسی می گردد و از بررسی آیات مربوط به وصیت فقهی که خارج از بحث مورد نظر است، خودداری می شود.

الف) خداوند متعال با وصف وصیت کننده در قرآن توصیف شده است؛ و پیامبرانی از قبیل نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (شوری/ ۱۳؛ مریم/۳۱) و یهود و نصاری و مردم عصر پیامبر اسلام (نساء/۱۳۱) و مشرکان (انعام/۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳) و فرزندان را نسبت به احسان درباره پدر و مادر (لقمان/۱۴؛ عنکبوت/۸؛ احقاف/۱۵) سفارش نموده است.

ب) حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب علیهما السلام فرزندان خود را به آئین اسلام سفارش نموده اند. خداوند متعال فرمود: *وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ* ... و ابراهیم و یعقوب، فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند؛ «فرزندان من، خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام، از دنیا نروید» (بقره/۱۳۲).

ج) اصحاب یمین و مومنان: اصحاب یمین کسانی هستند که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند. این گروه کسانی هستند که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می کنند(بلد/ ۱۷۹؛ عصر/۳).

۲-۴. کارکرد وصیت نامه اعتقادی، عبادی و اخلاقی

همان گونه که گذشت، قرآن عده ای را با عنوان وصیت کننده(سفارش کننده) به امور سه گانه دین معرفی نموده است. سفارش نسبت به امور سه گانه دین، سبب می شود که انسان در برابر توصیه، تعقل نموده و امور فطری را به یاد آورده و در نهایت با اندیشیدن و یاد آوری امور فطری، لباس عمل به سفارش های خدا، انبیاء و مومنین بکند. برخی از آیات سوره انعام به مطلب مذکور تصریح دارد و آن ها رابه زیبایی ترسیم نموده است. خداوند متعال بعد از سرزنش مشرکین و نادرستی عقائد باطلشان به پیامبر اسلام امر می کند که به آن ها بگوید؛ بیائید تا آن چه را خداوند متعال بر شما حرام کرده بخوانم. آن گاه بعد از بیان برخی از آن موارد می فرماید علت این سفارش ها به شما برای تعقل، یادآوری و در نهایت برای پرهیزگاری است. در آیات زیرعلل وصیت تصریح شده است.

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ... ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید... این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید.

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ... ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ - و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسند... این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا متذکر شوید. وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمُ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ... این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید(انعام/۱۵۱-۱۵۳).

با بیانی که گذشت روشن می شود که نوشتن وصیت نامه از جانب امام راحل با دارا بودن مقام رهبری در حکومت اسلامی ایران، برای مردم ایران اسلامی و همه ملل منبسط بر برخی آیات قرآن می باشد؛ چرا که خالق انسان ها از آن جهت که حاکم حقیقی انسان می باشد در جهت تکامل معنوی انسانی آنان را به مسائل سه گانه دین (انعام/۱۵۱-۱۵۳ و ...) وصیت نموده تا بندگانش از طریق تعقل، تذکر و پرهیز از فرمان خدا به هویت اصلی و هدف خلقتشان پی

ببرند و راه تکامل را طی کنند؛ و پیامبران الهی هم از آن جهت که حاکم بر مردم از سوی خداوند متعال می باشند به منظور دغدغه دینداری و پایداری در دین اسلام، به وصیت فرزندان خود (بقره/۱۳۲) در مورد دین اقدام نموده و مومنین هم از آن جهت که اولیای (توبه/۷۱) بر همدیگر می باشند؛ به سفارش هم نوع خود (بلد/ ۱۷۹) اهتمام ورزیده اند. بدیهی است که امام راحل هم از آن جایی که حاکم بر مردم بواسطه فقاقت می باشد به روش خداوند متعال و انبیاء و مومنین اقتدا نموده و دغدغه خویش را نسبت به تکامل مسلمانان ابراز داشته؛ و بلکه باید گفته شود اگر امام خمینی(ره) به نوشتن وصیت نامه سیاسی الهی اقدام نمی کردند بر ایشان خرده وارد می بود.

۲- ۵. تحلیل وصیت نامه نوشتن امام راحل برای مردم ایران اسلامی و همه ملل

امام راحل به این جهت که شیاطین با گونه های متعدد تبلیغاتی حقایق را بر مردم جهان غبارآلود نموده و مردم را بواسطه زورگویی ها در اختناق فرو برده اند به منظور تذکر و یادآوری تمام ملل اسلامی به امور فطری از قبیل گرایش به توحید و خداپرستی و نیکی عدالت و بدی ظلم و... بواسطه وصیت نامه سیاسی الهی را نوشته تا خواب آلوده ها را بیدار و آگاه و در پرتو بیداری به توصیه های وصیت نامه تعقل و در نهایت با دارا بودن تقوای فطری، پرهیز از مخالفت فرمان های الهی را پیشه خویش ساخته و لباس اطاعت از خداوند متعال، انبیای الهی و رهبران دینی که از جانب ائمه هدی علیهم السلام حاکم بر مردم می باشند، بر تن کنند. بر همین اساس گفته می شود نوشتن وصیت نامه الهی سیاسی منطبق و مستند به آیات کریمه می باشد.

۳. همراهی قرآن و عترت

امام برای همراهی قرآن و عترت، به حدیث ثقلین استناد نموده و با ذکر حدیث ثقلین درصدد آن می باشد که به مسلمانان این نکته را برساند که قرآن و عترت دو ثقلی هستند که پیامبر اکرم(ص) در میان مردم به یادگار گذاشته اند و بدون تمسک به هر دو، انسان گمراه می شود. امام در وصیت نامه سیاسی - الهی می نویسد: «حدیث «ثقلین» متواتر بین جمیع مسلمین است و [در] کتب اهل سنت از «صحاح ششگانه» تا کتب دیگر آنان، با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - به طور متواتر نقل شده است. و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر بویژه مسلمانان مذاهب مختلف؛ و باید همه

مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند؛ و اگر عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد برای علمای مذاهب نیست»

تأکید بر عدم جدایی بین اهل بیت و قرآن حاکی از هماهنگی کامل بین بیانات اهل بیت و قرآن است و اگر بین سخنان اهل بیت و قرآن اختلاف وجود می‌داشت، افتراق و جدایی ضروری بود و در این صورت با فرموده پیامبر(ص) که هرگز قرآن و عترت از هم جدا نمی‌شوند، منافات می‌داشت. عدم افتراق در صورتی است که هیچ اختلافی بین بیت قرآن و اهل بیت علیهم السلام وجود نداشته باشد؛ چه آن که بین قرآن و سنت پیامبر نیز افتراق وجود ندارد(مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۹).

علاوه بر ریشه‌روایی همراهی قرآن و عترت از برخی آیات کریمه هم همراهی قرآن و روایات بر می‌آید که برخی از آیات ذکر می‌شود:

الف) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (نساء/۵۹) در این آیه اطاعت رسول و اولی الامر(اهل بیت) صراحت دارد و بیانگر همراهی قرآن و هدایت است؛ بدین تقریر که هدف نزول قرآن هدایت است؛ که فرمود: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ» (بقره/۱۸۵) و قرآن به منظور هدایت بشر اطاعت از اولی الامر، که همان عترت می‌باشد را واجب نموده است. الزام به اطاعت آنان نشان از همراهی قرآن و عترت است.

ب) هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه/۲) این آیه تصریح دارد که خداوند متعال قرآن را فرستاده و وظیفه تبیین و تفسیر و استخراج احکام و معارف را به عهده پیامبر نهاده است و اگر این آیه ناظر به مقام تفسیر قرآن و بیان تفصیلی احکام و معارف اسلامی نبود و صرفاً به تلاوت و ذکر الفاظ قرآن نظر داشت، لازم نبود که خداوند بفرماید «وَيُعَلِّمُهُمُ» بلکه «يَتْلُو» کافی بود(مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۷). اضافه آن که واژه تلاوت و تعلیم دو معنای مستقلی را افاده می‌کنند؛ و واژه تعلیم به معنای تبیین، تشریح، تفسیر قرآن و بیان معانی دقیقی است که همه کس به سادگی به آن‌ها پی نمی‌برند یا تفصیل مطالبی است که به اجمال بیان شده است(مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۷). بدیهی است بعد از پیامبر اکرم(ص)، تبیین و تفسیر آیات و بیان معانی دقیق قرآن به عهده ائمه علیهم السلام است و این رسالت همان همراهی قرآن و عترت علیهم السلام است.

بر اساس دو آیه مذکور و شاهد روایی حدیث ثقلین همراهی قرآن و عترت ریشه در برخی آیات کریمه دارد.

توجه دهی امام راحل به حدیث ثقلین، تأکید بر همراهی قرآن و عترت و بیانگر آن است که شعار «حسبنا کتاب الله» انحراف از توحید و آموزه های قرآنی و دل خوش کردن به خواسته های نفسانی برای رسیدن به مطامع دنیوی و رسیدن به پست های خیالی می باشد. همچنین با ذکر حدیث ثقلین در مطلع وصیت نامه در پی یادآوری به ضرورت محبت واقعی به اهل بیت (شوری/۲۳) است که نتیجه آن محبت به محبّ برمی گردد؛ و خصوصاً در پی قبولاندن مرجعیت علمی اهل بیت به تمامی ملل اسلامی با فرقه های متعدد می باشد، چه آن که آنان بهره مند از علوم قرآن و توانای رهنمون نمودن بشر به رستگاری می باشند.

۴. مهجوریت قرآن

از نکات قابل توجه در مقدمه وصیت نامه امام خمینی (ص) توجه دادن به مهجوریت قرآن است. دو معنا در کتب لغت عرب برای واژه مهجوریت ذکر شده است که عبارت است از: الف) از ریشه «هجر» و ضد «وصل» (ابن منظور، ۱۴۱۰ ج ۵: ۲۵۰)؛ ب) معنای دیگر «هَجْر»، هذیان گفتن و سخن باطل بر زبان راندن است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ج ۶: ۳۵).

در لغت نامه های فارسی نیز مهجور به معنای دور افتاده، سخن پریشان و ناحق، متروک و کلامی که استعمال آن وانهاده شده، به کار رفته است (دهخدا، بی تا، ج ۱۴: ۲۱۸۷۴). امام در آثار دیگرش هم به مهجوریت قرآن توجه داده است. امام از آن جهت که قرآن را «مشمول بر همه چیز می داند» (امام خمینی ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۴۸). می گوید؛ حجم آموزه های سیاسی و اجتماعی قرآن بیشتر از مطالب عبادی آن است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۲۵۵؛ ج ۵: ۱۸۸) و بر این باور است که نسبت آیات اجتماعی و سیاسی قرآن به آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۱). ولی مسلمانان عملاً آن ها را کنار گذاشته و تنها به بُعد ضعیف آن توجه کرده اند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۴۳). علی رغم آنکه قرآن همه چیز برای مسلمانان به ارمغان آورده، خود مسلمانان عملاً آن را مهجور کرده اند، به این معنا که «استفاده ای که باید از آن بکنند نکردند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۳۲۰). ایشان ضمن اینکه احکام سیاسی و اجتماعی اسلام را مهجور می داند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۴۶۳). با اشاره به شکوه پیامبر (ص) از امت خود (فرقان/۳۰) و با نیم نگاهی به وضعیت کنونی جهان اسلام، علت

عمده مشکلات مسلمانان را در عمل نکردن به آموزه های سیاسی و اجتماعی قرآن برمی شمارد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۳۴-۳۳). توجه دادن امام خمینی (ره) بر مهجور بودن قرآن بر پشتوانه آیاتی از قبیل آیه ۳۵ سوره فرقان و آیاتی دیگر می باشد. قرآن از زبان پیامبر اسلام شکایتش را نسبت به مهجور ماندن قرآن نقل می کند و می فرماید: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان/۳۰).

از آن جا که در آیات قبل این آیه، انواع بهانه جویی های مشرکان لجوج و افراد بی ایمان مطرح شده بود، این آیه ناراحتی و شکایت پیامبر اسلام «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» را در پیشگاه خدا از کیفیت بر خورد این گروه با قرآن باز گو کرده، می گوید: «پیامبر بر پیشگاه خدا عرضه داشت: پروردگارا، این قوم من، قرآن را ترک گفتند و از آن دوری جستند».

استفاده خداوند از فعل «اتَّخَذَ» برای بیان مهجور قرار دادن قرآن می تواند بار معنایی ویژه ای داشته باشد که برخی محققین به آن اشاره کرده اند: «اگر به وضع بسیاری از کشورهای اسلامی، مخصوصاً آن ها که زیر سلطه ی فرهنگی شرق و غرب زندگی می کنند، نظری بیفکنیم؛ می بینیم قرآن در میان آن ها به صورت یک کتاب تشریفاتی در آمده است، تنها الفاظش را با صدای جالب از دستگاه های فرستنده پخش می کنند و جای آن در کاشی کاری های مساجد به عنوان هنر معماری است، برای افتتاح خانه نو، برای حفظ مسافر، شفای بیماران و حداکثر برای تلاوت به عنوان ثواب از آن استفاده می کنند. حتی گاه که با قرآن استدلال می نمایند، هدفشان اثبات پیش داوری های خود به کمک آیات با استفاده از روش انحرافی تفسیر به رأی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ج ۱۵: ۹۳).

مهجوریت قرآن از زبان خود قرآن علاوه بر آیاتی که مستقیماً و به نحو صریح به بیان مهجوریت قرآن (فرقان/۳۵) می پردازد، آیاتی دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که به طور ضمنی از مهجوریت قرآن در بین مسلمانان پرده بر می دارد. به طور مثال در برخی آیات صحبت از کتمان حقایق قرآنی توسط گروه خاصی است (بقره/ ۱۲۱). در جایی دیگر از بی اعتنایی به اوامر و احکام قرآنی خبر می دهد (بقره/ ۱۰۱ - آل عمران/ ۲۱). در آیات دیگری مردم را به جهت عدم خضوع در برابر قرآن توبیخ می کند. (بقره/ ۱۲۱) همچنین آیاتی که از عدم تدبر مردم در آیات نورانی قرآن (حدید/۱۶) و نیز عدم استماع و انصات قرآن (محمد/ ۲۴) شکایت می کند.

- تحلیل گوشزد نمودن مهجوریت قرآن

با توجه به مفهوم مہجوریت قرآن که همان به کار نیستن دستورات دینی در سه بعد اعتقادی، احکام عبادی و اخلاقی می باشد؛ امام با هدف تحقق یافتن هدف نزول قرآن که همان هدایت مردم (بقره/۱۸۵) به مہجوریت قرآن گوشزد نموده، تا مسلمین متوجه این مسأله بشوند که مہجوریت قرآن به عدم تحقق هدف قرآن منتهی می شود.

۵. موسس مذهب شیعه

یکی از نکاتی که در مقدمه وصیت نامه امام خمینی رحمه الله علیه برجسته می باشد مسأله موسس مذهب شیعه می باشد که شواهد قرآنی این مسأله ذکر می گردد.

امام خمینی رحمه الله علیه در بیان این مطلب، که موسس مذهب شیعه پیامبر اسلام به امر خدا بود است را به زیبایی ترسیم نمود و فرمود: و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بنده رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی ها است.

شیعه در لغت به معنای پیرو است و به کسانی اطلاق می شود که جانشینی پیامبر اسلام را حق اختصاصی خانواده رسالت می داند و در معارف اسلام پیرو مکتب اهل بیت می باشند (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۴؛ مغنیه، ۱۳۵۵: ۲۳). اساس مذهب شیعه در قرآن و سنت قطعی است و جای هیچگونه تردیدی از این نظر نیست (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۵). به طوری که از کتاب های شیعه و سنی معلوم می شود لفظ شیعه را خود صاحب شریعت (پیامبر اسلام) بر دوستان و پیروان علی بن ابیطالب علیه السلام اطلاق نموده و مردم را به سوی آن فرا خوانده است (مغنیه، ۱۳۵۵: ۲۳؛ سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). و اولین بار پیدایش شیعه در زمان حیات پیامبر اسلام بود و جریان ظهور و پیشرفت دعوت اسلامی در بیست و سه سال زمان بعثت موجبات زیادی در برداشت که طبعا پیدایش جمعیتی را در میان یاران پیامبر اسلام ایجاد می کرد (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۴). سلطان الواعظین شیرازی می گوید: أبوحاتم رازی در کتاب الزینہ که در تفسیر الفاظ متداوله میان ارباب علوم نوشته شده می نویسد؛ اولین نامی که در اسلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوجود آمده نام شیعه بوده است که چهار تن از صحابه یعنی ابوذر غفاری، سلمان فارسی، مقداد ابن اسود کندی و عمار بن یاسر، دارای این لقب بودند (سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

شواهد قرآنی موسس مذهب شیعه؛ در آیات فراوانی موسس مذهب شیعه بودن پیامبر اسلام به امر خدا را به پشتوانه روایت صحیح قید می کند که برخی از آن آیات ذکر می گردد. (الف) وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (شعراء/ ۲۱۴) و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن. خلاصه روایاتی (بحرانی، ۱۴۲۸، ج ۵: ۵۱۴-۵۰۸) که در ذیل آیه مذکور آمده است این می باشد که «پیامبر اکرم در اولین روز های بعثت که به نص قرآن (شعراء/ ۲۱۴) مأموریت یافت که خویشان خود را به دین خود دعوت کند صریحا به ایشان فرمود که هر یک از شما به اجابت دعوت من سبقت گیرد وزیر و جانشین و وصی من است. علی علیه السلام پیش از همه مبادرت نمود و اسلام را پذیرفت و پیامبر اکرم ایمان وی را پذیرفت (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۵). ابن جریر و ابوجعفر اسکافی صحت حدیث فوق را مسلم دانسته اند (موسوی، ۱۳۷۴: ۲۲۶). این که بخاری و مسلم در صحیحشان نقل نکرده اند به این جهت است که با عقیده شان در خلافت مخالفت دارد و همین موجب اعراض آن ها از بسیاری از نصوص شده است، ترسیده اند اگر نقل کنند اسلحه ای برای شیعه باشد لذا دانسته آن ها را کتمان کرده اند» (موسوی، ۱۳۷۴: ۲۲۷). «جانشین قرار دادن علی علیه السلام در ابتدای دعوت برای خود گویای این نکته است که دیگران بعد از رسول اکرم باید از او پیروی کنند و به دنبال علی علیه السلام حرکت کنند.

(ب) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ. (بینه/ ۷) (اما) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدا) یند. روایات فراوانی در ذیل این حدیث آمده است که می فرماید این این در مورد علی و شیعیان وی می باشد، به عنوان نمونه پیامبر به علی فرمود: هم أنت و شیعتک (بحرانی، ۱۴۲۸، ج ۸: ۳۵۰).

تشیع در کادر دعوت اسلامی تولد یافته و بناء آن در طرح و برنامه زیر بنایی رسول خدا صلی الله علیه و آله به فرمان خدا برای صیانت و نگهداری آینده رسالت پی ریزی گردید (مغنیه، ۱۳۵۵: ۲۵). نام شیعه و شیعه اهل بیت در بسیاری از سخنان رسول اکرم وجود دارد. از جمله پیامبر به علی علیه السلام فرمود: ای علی به درستی که رستگاران روز قیامت شیعیان تو هستند (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۵).

سبط بن جوزی ده معنا برای کلمه مولی در حدیث غدیر ذکر نمود آن گاه در آخر آن جملات می نویسد هیچ یک از این ده معنا مطابقت با کلام رسول الله ندارد و مراد از حدیث، طاعت محضه مخصوصه است پس معنای متعین وجه دهم است و آن اولی به تصرف بودن است و

معنی چنین شود کسی را که من اولی به تصرف به او هستم از نفس او، پس علی اولی به تصرف به او می باشد (سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۸۵: ۶۱۸).

- تحلیل ذکر موسس مذهب شیعه

به یاد آوردن تمام مسلمانان به این نکته که موسس مذهب شیعه، نبی مکرم اسلام بوده، بیان گر حقانیت شیعه و این که امام علی علیه السلام جانشین بلافضل پیامبر اکرم می باشد، است؛ و هم چنین تلویحا گوشزد می کند، این که برخی به جهات گوناگون از قبیل اغراض سیاسی و تفرقه بین مسلمانان، شیعه را مولود سیاست دانسته، نادرست می باشد.

۶. نقش قرآن در ایجاد وحدت مسلمین

از نکات کلیدی دیگر در وصیت نامه امام (ره)، توجه دهی به نقش قرآن در ایجاد وحدت مسلمین می باشد؛ که چنین نوشت: «ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می زند، از مقبره ها و گورستان ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می کشاند نجات دهد»

۶-۱. معنای لغوی اتحاد

اتحاد در لغت فارسی یعنی یکی شدن، یگانگی و هم‌دستی در اصطلاح به معنی همبستگی و یگانگی عموم جامعه، برای خنثی کردن نقشه‌های شوم دشمن است (عمید، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

۶-۲. اتحاد در قرآن

در قرآن هم وحدت ادیان مطرح است؛ چنان که می‌خوانیم: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ (آل عمران / ۶۴) بگو: «ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.» و هم وحدت مذاهب در درون جامعه اسلامی؛ وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران، ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا، چنگ زنید و پراکنده نشوید. قرآن با تأکید هر چه تمام‌تر، مسلمانان را به اتحاد دعوت کرده و از اختلاف و دشمنی و جدایی، سخت نهی فرموده است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۶۰۹) و همچنین در آیه

دیگر از پراکنده شدن نهی فرموده است و فرمود: «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آن که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید. و آن‌ها عذاب عظیمی دارند. این آیه مسلمانان را از این که مانند اقوام پیشین، همچون یهود و نصاری، راه تفرقه و اختلاف را پیش گیرند و عذاب عظیم برای خود بخرند بر حذر می‌دارد و در حقیقت آن‌ها را به مطالعه تاریخ گذشتگان و سرنوشت دردناک آن‌ها پس از اختلاف و تفرقه دعوت می‌کند. (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۴۲). و در آیه دیگر به وقتی که دو مومن اختلاف کردند بر دیگر مومنین وظیفه اصلاح بین آنان را دستور داده است و فرمود: و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها را آشتی دهید (حجرات/۹).

علاوه بر آیات ذکر شده، برخی دیگر از آیاتی که به پیامد شوم پراکندگی اشاره می‌کند به نقش قرآن در ایجاد وحدت بین مسلمین هم می‌توان پی برد که در ادامه ذکر می‌شود.

الف) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ (حدید/۲۵). ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است..

بدون تردید از عوامل تفرقه بی عدالتی و ظلم در جامعه است. قرآن به منظور اجرای حق و عدالت در جامعه پیامبران الهی را مبعوث نمود تا در پرتو عدل در جامعه اسلامی مردم متفرق نشوند.

پر واضح است عدالت در جامعه، هنگامی اجرا می‌گردد که مردم اتحاد داشته باشند و از رهبر جامعه پیروی کنند. حضرت علی(ع) فرمود: و آن‌گاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد، و راه‌های دین پایدار و نشانه‌های عدالت برقرار است و سنت پیامبر(ص) پایدار گردد. پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مایوس می‌گردد.

ب) الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (مائده/۳).

امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابر این، از آن‌ها نترسید و از (مخالفت) من بترسید. امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

روشن است وقتی دشمنان چشم طمع از ثروت و استعداد‌های مسلمین و انهدام اسلام بر می‌دارند که مسلمین، اتحاد داشته باشند. در این صورت، دشمنان داخلی مطرود می‌شوند و به آرزوهایی خام خویش نمی‌رسند، چرا که دشمنان داخلی خطرناک‌تر از دشمنان خارجی هستند.

استاد شهید مطهری در پاسخ این سوال که دشمنان داخلی برای اسلام خطرناک‌ترند یا دشمنان خارجی؟ فرمودند: همان طور که سه سوره قرآن فرمود؛ از خارج دنیای اسلام بر اسلام نباید ترسید، از داخل باید ترسید. ترس از داخل منحصر به این نیست که مردم به علل خاص شهوانی و غیره، فسق و فجور کنند، بلکه از نفاق داخلی، از نیروهایی که از مواجهه علنی با اسلام می‌ترسند و ماسک اسلام به چهره می‌زنند، و هدف‌های پلید خود را زیر سرپوش شعارها اسلامی آن هم شعارهای غلیظ و شدید با تهی کردن اسلام از درون محتوا و ابقای اندام و پوست‌ها، و با تغییر دادن مسیر و هدف و بالاخره با نوعی تحریف معنوی، عملی می‌سازند. از این‌ها باید ترسید و از فریب خوردن ساده دلان مسلمان، از این گروه منافق سنگ اسلام به سینه زن (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

ج) وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران / ۱۰۳).

نکته مهمی که از آیه فوق استفاده می‌شود این است که یکی از پیامدهای اتحاد ملی، نجات از عذاب الهی می‌باشد. بر اساس آیات مذکور و آیات فراوان دیگری که در قرآن وجود دارد نشان از این است که حرف امام خمینی(ره) در نقش قرآن در ایجاد وحدت مسلمین ریشه قرآنی دارد.

۳-۶. تحلیل بیان نقش قرآن در ایجاد وحدت مسلمین

بدیهی است که وقتی مسلمانان به نقش وحدت آفرینی قرآن بین مسلمانان پی ببرند؛ آسان تر می‌توانند به دستورات کتاب آسمانی از قبیل توحید و مسأله نبوت تن در دهند و دست از خواسته‌های نفسانی بردارند، امام (ره) به نقش قرآن اشاره نموده تا در پرتو، باور به توحید و نبوت، در مسأله امامت پس از رسول اکرم تعقل نموده و حق را معیار سنجش باورهای خود قرار دهند.

۷. لعن برظالمان

از نکات کلیدی در مقدمه وصیت نامه امام خمینی (ره) لعن و نفرین نمودن ستمگران اهل بیت و بنی امیه می باشد و ثمره لعن و نفرین بر ستمگران اهل بیت و بنی امیه را فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن می داند و این گونه ترسیم می کند: « و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچ گاه غفلت نکنند و بدانند آنچه دستور ائمه - علیهم السلام - برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملت ها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تاریخ الی الابد و می دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنه الله علیهم - با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند، فریاد بر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است و لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم سلام الله - به طور کوبنده فجایع و ستمگری های ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود؛ و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست آمریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی _ لعنه الله و ملائکتکته و رسله علیهم - است به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود.»

۷-۱. واژه شناسی لعن و کاربرد آن در قرآن

لعن در لغت به معنای طرد نمودن و دور ساختن از روی خشم است. (ابن محمد، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۳۶) و این واژه با مشتقاتش در قرآن ۴۱ مرتبه آمده است (عبدالباقی، ۱۳۷۴: ۷۶۶). لعن بر ظالم و ستمگران و دروغ گویان و.. از آموزه ای صریح و بلکه نص قرآن می باشد. در قرآن دروغ گو (نساء/۴۶؛ احزاب/۶۴)، قاذف (تهمت زننده به زن پاکدامن) (نور/۲۳)، ظالم (اعراف/۴۴؛ هود/۱۸) فساد کننده در زمین (رعد/۲۵)، اذیت کننده به رسول و خدا (احزاب/۵۷)، کتمان کننده آنچه که خدا نازل کرد (بقره/ ۱۵۹) و... مورد لعن قرار گرفته اند.

۷-۲. لعن بنی امیه در قرآن

وصیت امام راحل به نفرین بر ستمگران آل بیت، و لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنه الله علیهم بر گرفته از آیات کریمه می باشد که نمونه ای از آن آیات که به پشتوانه روایات لعن بر بنی امیه را می رساند به شرح زیر می باشد.

خداوند متعال می فرماید: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (اسراء/۶۰)»... و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ همچنین شجره ملعونه [درخت نفرین شده] را که در قرآن ذکر کرده ایم ما آن ها را بیم داده (و انداز می کنیم)؛ اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آن ها نمی افزاید (اسراء/۶۰).

امام باقر علیه السلام در سخنی شجره ملعونه را بنی امیه دانسته است (بحرانی، ۱۴۲۸ق، ج ۴: ۴۵۷) و علی علیه السلام شجره ملعونه را فاجران قریش و بنی امیه معرفی نموده است (بحرانی، ۱۴۲۸ق، ج ۴: ۵۷۵) ظلم و ستم بنی امیه فراوان و تاریخ بخشی از آن را پرده برداشت که نمونه ای از آن ظلم و جنایات عبارت است از این که، ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه می نویسد: «معاویه در یکی از بخشنامه های خود به استانداران و فرماندارانش چنین خطاب کرد؛ اگر ثابت شد که فردی دوست دار علی و خاندان اوست نام او را از فهرست کارمندان دولت محو کنید و حقوق او را قطع و از همه مزایا محروم سازید؛ و در بخشنامه دیگر نوشت: گوش و بینی افرادی را که دوستی خاندان علی تظاهر می کنند ببرند و خانه های آنان را ویران کنند.» (سبحانی، ۱۳۷۳: ۵۲). کفر یزید را شعر پیش روی، که در مجلس خود وقتی با چوب بر لبان مطهر امام حسین علیه السلام می زد می خواند، آشکار می کند: «لَعِبَتْ بَنِي هَاشِمٍ بِالْمَلِكِ فَلَا خَيْرَ وَ لَا وَحْيَ نَزَلَ» (احتجاج، ج ۲: ۳۰۷) بنی هاشم حکومت را به بازی گرفتند هیچ خبری نیامده و هیچ وحی نازل نشده است.

بر اساس آیات مذکور گفته می شود که توصیه امام بر لعن و نفرین ستمگران اهل بیت و لعن بر بنی امیه ریشه در قرآن داشته و توصیه امام مستند به قرآن کریم می باشد.

۷-۳. تحلیل لعن بر ظالمان

جهت لعن بر ظالمان، استمرار بخشیدن به بیزاری از رفتار پلید و شوم بنی امیه و ظالمین در هر عصر و مصر بوده و همچنین آموزش غیر مستقیم به رهروان دین مبین اسلام به منظور بودن فکر هر ظالم می باشد. و اضافه آن که رهایی از انجام ظلم و نجات یافتن از دست ظالم، نیازمند لعن بر ظالمان می باشد تا آدمی در پرتو تنفر از ظلم، نه به کسی ظلم کند و نه این که، دیگری به او ستم کند؛ همچنان که در سخن آسیه «وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (تحریم/۱۱)». همسر فرعون به تحلیل اخیر تصریح شده است و همسر فرعون

علاوه بر نجات یافتن از دست فرعون ستمگر و کارگزارانش، نجات از هر ظالمی را از خداوند متعال طلب می کند.

۸. مراثی و مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان

از نکات مهم دیگر در وصیت نامه امام رحمه الله علیه، ثنای اهل بیت و یاد آوری ظلم هایی که در حق آنان شده در مراثی و نوحه ها می باشد؛ که امام به زیبایی ترسیم فرمود: «و لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم سلام الله - به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود؛ ... و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملت مسلمین، بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر - علیهم صلوات الله وسلم - است» و همچنین در برپایی عزاداری فرمود: «و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچ گاه غفلت نکنند و بدانند آنچه دستور ائمه - علیهم السلام - برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، بدون تردید یکی از شعائر الهی، که سبب زنده ماندن اسلام و احکام اسلامی می باشد؛ عزاداری و سوگواری برای سالار شهیدان حسین بن علی علیهما السلام می باشد. امام رحمه الله در بیانی دیگر فرمود: روضه سید الشهداء برای حفظ مکتب سید الشهداء است (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۵: ۲۰۳).

و همچنین امام خمینی (ره) در شعیره بودن گریه بر اهل بیت و اهمیت آن فرمود: «بچه ها و جوانان ما خیال نکنند که مسأله، مسأله ملت گریه است، این را دیگران القاء کردند به شماها که بگوئید ملت گریه. آن ها از همین گریه ها می ترسند، برای این که گریه ای است که گریه بر مظلوم است، فریاد مقابل ظالم است دسته هایی که بیرون می آیند مقابل ظالم هستند، قیام کرده اند. این ها را باید حفظ کنید، این ها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود، این ها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود، بازیتان ندهند این قلم فرسوها» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۰: ۲۳۵).

۸-۱. واژه شناسی مرثیه و عزا

مرثیه؛ شعر یا سخنی است که در سوگواری و در مدح میت خوانده شود (عمید، ۱۳۸۰: ۱۱۰۵). عزا در لغت به معنای شکیبایی کردن، شکیبایی در مصیبت، تعزیت، سوگ و ماتم می

باشد(معین، ۱۳۸۰: ج ۲: ۲۲۹۸). عزا گرفتن به معنای زاری و شیون کردن و به حالت ماتم زدگان در آمدن و برای سوگ و مصیبت، لباس در بر کردن و به معنای اقامه سوگواری و به سبب مرگ کسی است(دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۸۵۷).

۸-۲. شواهد قرآنی مرثیه و سوگواری بر اهل بیت علیهم السلام

از چند دسته از آیات کریمه جواز مرثیه و سوگواری بر اهل بیت خصوص سالار شهیدان استفاده می شود که به شرح ذیل می باشد.

الف) آیاتی که دستور به تعظیم شعائر الهی داده است از آن ها جواز مرثیه و سوگواری بر اهل بیت خصوص سالار شهیدان استفاده می شود.

خداوند متعال فرمود: وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. (حج/۳۲) و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

بر اساس آیه فوق، تکریم و تعظیم شعائر اسلامی توصیه شده است. شعائر جمع شعیره است و شعیره به معنای علامت است و شعائر خدا علامت هایی است که خداوند متعال آن ها را برای اطاعتش نصب فرمود(طباطبایی، ۱۳۶۰: ج ۱۴ ص ۳۷۳). شعائر الله علامت هایی است که انسان را به یاد خدا می اندازد و خاطره ای از خاطرات مقدس را در نظرها تجدید می کند(مکارم شیرازی، ۱۳: ج ۱ ص ۵۳۹).

ب) قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (شورای/۲۳) بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

آیاتی که دستور به مودت ذی القربیرا توصیه نموده است از آن ها جواز مرثیه و سوگواری بر اهل بیت خصوص سالار شهیدان استفاده می شود.

آیه مودت، به ضرورت دین اسلام و نص اخبار متواتره، مراد اهل بیت پیغمبر؛ علی و فاطمه و حسن و حسین و در بسیاری از اخبار ائمه اطهار هستند(طیب، ۱۳۸۷: ۴۸۱). پرواضح است که از جمله راه های مودت به اهل بیت، بهره گیری از کلمات گهر بارشان و اشک بر غم و نوحه بر دردشان است.

ج) آیاتی که داد زدن بر ظالمرا توصیه می کند از آن ها جواز مرثیه و سوگواری بر اهل بیت خصوص سالار شهیدان استفاده می شود؛ که نمونه آن آیات ذکر می شود: لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (نساء/۱۴۸) خداوند دوست ندارد کسی با

سخنان خود، بدیها(ی دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست.

د) همچنین آیه ای که گریه یعقوب در فراق یوسف را بازگو می کند و تصریح می کند که یعقوب آن قدر در فراق یوسف اشک ریخت که چشمانش سفید شد؛ نشانگر مجاز بودن سوگواری و مرثیه خوانی در مصیبت وارده بر اهل بیت؛ خصوص سالار شهیدان می باشد. خداوند متعال (یوسف/ ۸۴) گریه یعقوب در فراق یوسف را به زیبایی ترسیم فرمود: وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبْيَضْتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهَوَّ... (یوسف/ ۸۴) و از آن ها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر یوسف» و چشمان او از اندوه سفید شد.

۸-۳. تحلیل برپایی مراسم عزاداری و مرثی بر اهل بیت

امام راحل با هدف استمرار حکومت اسلامی و صدور آن به کشورهای دیگر نیازمند داشتن جان برکفانی است که در راه اهداف دین مبین اسلامی از هیچ ملامت گری نهراسیده و بلکه جان خویش را بر طبق اخلاص نهاده و در راه باور اسلامی جانفشانی کند. تحقق جانفشانی در راه باور اسلامی و اجرای دستورات دین با راهبردهایی امکان پذیر می باشد، که مهم ترین آن تربیت نسلی عاشق شهادت می باشد. بدون تردید گریه بر شهید، شوق شهادت طلبی را به همراه خواهد داشت و امام با یادآوری برپایی مراسم عزاداری و مرثی بر اهل بیت، در پی تربیت نسل حسینی منش و صدور انقلاب اسلامی را که خود پرتو قیام مقدس امام حسین علیه السلام می باشد، بوده است. به بیان آیت الله جوادی؛ این که سفارش فراوان به اشک ریختن و عزاداری کردن نموده اند برای آن است که اشک بر شهید اشتیاق به شهادت را به همراه دارد، خوی حماسه را در انسان زنده و طعم شهادت را در جان او گوارا می گرداند. چون اشک رنگ کسی را می گیرد که برای او ریخته می شود و همین رنگ را به صاحب اشک نیز می دهد.

نتیجه گیری

نتایجی که از نوشتار مذکور بدست می آید این است که:

هدف امام از نوشتن وصیت نامه آراسته شدن به صفت خداوند متعال به جهت هدایت مردم و استمرار، رشد، بالندگی و صدور انقلاب اسلامی به خارج از ایران بوده است.

موضوعات مطرح شده در مقدمه وزین وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی مستند به شواهد قرآنی می باشد.

تحلیل کلی مقدمه وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی آن است که امام از آن جهت که رهبر سیاسی و دینی می باشد در صدد آشنا نمودن و تبلیغ آموزه های دینی برای رسیدن به رستگاری تمام ملل اسلامی و بلکه همه مردم جهان می باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف) منابع فارسی

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، قم: انتشارات اسراء.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، ابن محمد، حسین (۱۳۸۵)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی، تهران: انتشارات مرتضوی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۳)، فروغ ولایت، تهران: انتشارات صحیفه.
- سلطان الواعظین شیرازی، محمد (۱۳۸۵)، شبهای پیشاور، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۳ق)، امالی شیخ صدوق، تهران: انتشارات کتابچی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۰)، تفسیر المیزان، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۰)، شیعه در اسلام، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۷)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- عبدالباقی، محمد فواد (۱۳۷۴)، المعجم المفهرس للألفاظ القرآن الکریم، تهران: انتشارات اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۸۰)، فرهنگ عمید، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲)، نقش تقلید در زندگی انسان، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

شواهد قرآنی و تحلیل آموزه های مقدمه وصیت نامه سیاسی...

مغنیه، محمد جواد(۱۳۵۵)، **شیعه و تشیع**، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۷۲)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
موسوی خمینی، امام روح الله(۱۳۶۹)، **صحیفه نور**، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

ب) منابع عربی

ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم(۴۱۰ق)، **لسان العرب**، ۱۵جلدی، بیروت: دار للطباعة و النشر.
بحرانی، سید هاشم(۴۲۸ق)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: موسسه دار المجتبی للمطبوعات.